



منتشر شده

مترجم	نویسنده	نام کتاب
آذر تبریزی	ایوانف	۱ - انقلاب مشروطیت ایران
شیوا فرهمندراد		۲ - تحلیلی بر حماسه کوراوغلی
مرئوف	آنتوان چخوف	۳ - عروس
آذر تبریزی	کنورک لوکاج	۴ - نگرشی بر واقع گرایی
علی قنبراف	واندا واسیلوسکا	۵ - رنگین کمان
	میرزا علی اکبر صابر	۶ - هوپ هوپ نامه
مازیاری		۷ - فلسفه بزبان ساده «شناخت»
کاظم شجا	استفان زوریان	۸ - دختری از کتابخانه
شیوا فرهمندراد		۹ - اپرای کوراوغلی
	ماکارنکو	۱۰ - داستان پداگوژیکی
		۱۱ - پیام روستا - شماره ۱-۲-۳-۴ - «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» شاخه لرستان
		۱۲ - زندگی، آثار و فعالیت‌های مارکس و انگلس
		۱۳ - ماتوپاماروها اوروگوئه - تجربیات جنگ چریکی در شهر



مقابل دانشگاه - خیابان فروردین

بها ۲۵ ریال

# پیام روستا

فصل اول

۱ - ۲

«سازمان چریکهای فدائی خلق» شاخه لرستان

سخنی چند با معلمین و دانش‌آموزان روستا:

پیام روستا به منظور بررسی وضعیت روستاها و تحلیل مشکلات و مسائل دهقانان انتشار می‌یابد و ضمناً "بارهنمودهای عملی جهت کار در روستا و نیز انتشار اخبار روستا همراست . این نشریه عمدتاً " برای معلمین و دانش‌آموزان روستائی چه آنها که در شهرها مشغول به تحصیل هستند و چه آنهایی که در خود روستاها به کار یا تحصیل اشتغال دارند انتشار می‌یابد . ما در این نشریه تجارب خود را پیرامون مسائل روستائی در اختیار هم میهنان مبارز قرار می‌دهیم و از تمامی آنها می‌خواهیم که مطالب نشریه را به هر نحو و شکل که درست تشخیص می‌دهند ، چه خواندن مطالب در کلاسهای درس و چه به بحث گذاشتن مسائل مطرح شده در اجتماعات صدای ما را به گوش توده‌های روستائی برسانند ما سعی داریم مطالب نشریه را حتی الامکان ساده و قابل فهم برای برادران روستائی بنویسیم . از تمامی نیروهای مبارز آشنا با مسائل روستائی می‌خواهیم که انتقادات ، اخبار و تحلیل‌های خود را بمنظور غنا بخشیدن به کار ما برایمان ارسال دارند .

"پیام روستا"



مقابل دانشگاه خیابان فروردین

## جنبش خلق و روستائیان

هیاهوی اصلاحات ارضی که خوابید روستائیان میهن‌ماتوجه شدند که زندگی آنها تغییر نکرده. تا یکی دو سال آنها امیدوار بودند که وضع زندگیشان بهتر شود فکر می‌کردند شراب‌بها از سر آنها کم می‌شود، خیال می‌کردند قطعه زمینی بچنگ می‌آورند که با آن شکم خود و زن و بچه‌هایشان را سیر کنند. اما بزودی دیدند که اینطور نشد دیدند که اصلاحات ارضی فرمایشی شاه به جای آنکه گره‌ای از مشکلات آنها باز نماید آنها را با گرفتاریها و بدبختی‌های جدیدی روبرو کرد، هنوز اربابهای قدیم نرفته بودند که سر و کله ارباب تازه‌ای پیدا شد ارباب جدید از خانه‌های قدیم خیلی قویتر بود، ارباب جدید در غارت دسترنج دهقانان حریص‌تر بود، ارباب جدید، دولت بود، ارباب تازه به همه چیز مالیات می‌بست، زمین، محصول، آب، جنگل، ساختمان و... اگر دهقان چوب خشکی از جنگل می‌برد تا در شبهای سرد زمستان کودکان برهنه‌اش را گرم کند، ماموران مزدور گارد جنگل او را جریمه می‌کردند اگر پرنده یا ماهی کوچکی صید می‌کرد شکاربانها مثل اجل‌معلق بر سرش فرود

می‌آمدند، اگر گاوش در مرتع می‌چرید سروکارش با اداره حفاظت محیط زیست بود، اگر بهره‌ور وام یک روز دیر می‌پرداخت ژاندار-مها او را جلب و روانه زندان می‌کردند، اگر با هزار مشقت قطره آبی برای مزرعه خشک خود دست و پا می‌کرد ماموران اداره آبیاری پیدایشان می‌شد و به اسم حق آب باج می‌می‌گرفتن، خرسها و گرگها حق داشتند روستائیان را پاره کنند اما دهقانان حق کشتن جانوران را نداشتن، بسیاری از دهقانان ما بخاطر کشتن همین حیوانات به پرداخت جریمه‌های سنگین محکوم شدند می‌دانیم که دولت با بوق و کرنا ادعا می‌کرد که به دهقانان وام می‌دهد، وامهایی که دولت با بهره‌های سنگین به روستائیان می‌پرداخت برای کمک به آنها نبود این وامها مشکل دهقانانرا حل نمی‌کرد اما در عوض آنها را زیر بار قرض خود می‌نمود از این پس روستائی مجبور بود سهمی از درآمد ناچیز خود را به صورت بهره وام به حلقوم بانکها سرازیر کند. بانک کشاورزی و شرکتهای تعاونی زالوهائی بودند که بیرحمانه شیره‌جان زحمتکشان روستائی و زن و بچه آنها را می‌می‌کیدند سرمایه این شرکتهای متعلق به شخص شاه و اطرافیان سرمایه‌دارش بود، روستائی همینکه از شرکت وام می‌گرفت دست و پایش با زنجیر تازه‌ای بسته می‌شد او چاره‌ای نداشت جز اینکه به ساز طلبکاران بی‌انصاف خود بر قصد، صاحبان بانکها و شرکتهای تعاونی نیز همین را می‌خواستند. گذشته از اینها می‌بایست وجود یک نفرزور گو بنام مدیرعامل را بالای سر خود تحمل کند که درمفت خوری و قلدری دستکمی از خانه‌های سابق نداشت. درآمد دهقانان از

محصول کشاورزی هرروز کمتر می شد درحالی که مخارج زندگی بالا می رفت و روستائیان مجبور بودند مایحتاج خود را از شهر خریداری کنند و روش است که درآمد ناچیز آنها کفاف مخارجشان را نمی داد پس ناگزیر بودند زن و بچه هایشان را به امان خدا رها کنند و به صورت کارگران فصلی روانه شهرها شوند . وقتی که آنها به غربت می رفتند بدبختی همیشگی را با بدبختی تازه ای عوض می کردند ده تا پانزده ساعت کار طاقت فرسا خوابیدن در کنار خیابانها بدون سرپناه تحمل دوری از اقوام و بدبختیهای دیگر . در همین موقع شاه خائن و اطرافیان سرمایه داری برای غصب بهترین زمینهای دهقانان دست بکاری شدند با ایجاد شرکتهای سهامی زراعی ، شرکتهای کشت و صنعت و دامداریهای دولتی مرغوبترین زمینهای روستائیان را تصاحب می کردند . تا کسی دهقان نباشد نمی تواند بفهمد غصب زمینهای دیگران چه ظلم بزرگی است و برای همین است روستائیان کینه بی پایان نسبت به غصب کنندگان زمینهای خود و رژیمی که از آنها حمایت می کند در دل داشته و منتظر فرصت مناسب بودند رژیم شاه تنها دشمن دهقانان نبود بلکه دشمن همه زحمتکشان بود و برای همین است که وقتی کارگران و دیگر زحمتکشان شهر قیام کردند روستائیان ما نیز بیاری برادران شهری خود شتافتند و دست در دست آنها شاه جنایتکار را سرنگون کردند اکنون شاه فرار کرده و رژیم او را سرنگون کردند اکنون شاه همه مردم آنها که در این پیروزی سهمیم بوده اند حق دارند که از نتایج آن بهره مند شوند هر گروه از مردم خواسته های مخصوص خود را دارند

روشن است که روستائیان ایران که بخش بزرگی از جمعیت ما را تشکیل می دهند و جزء محرومترین و زحمتگشترین بخشهای خلق بشمار می روند نیز خواسته های مخصوص بخود را دارند روستائیان باید مطمئن باشند که کارگران ، دانشجویان و دیگر زحمتکشان شهری تا رسیدن تمامی خواسته هایشان از آنها پشتیبانی می کنند .

روستائیان قبل از هر چیز خواستار اصلاحات ارضی واقعی هستند آنها می گویند اصلاحات ارضی شاه ما را خانه خراب کرده است می گویند بهترین و مرغوبترین زمینها در دست مالکان سابق مانده است اصلاحات ارضی با در نظر گرفتن منافع اکثریت عظیم دهقانان باید تجدید شود .

همه زمینهایی که در رژیم سابق بوسیله شرکتهای سهامی زراعی یا کشت و صنعتها غصب شده اند باید فوراً " بصاحبان آنها برگردانده شود هم چنین زمینهایی که بعنوان مرتع ، منطقه شکار پارک جنگلی و به بهانه های دیگر بوسیله دولت تصرف شده است باید به دهقانان سپرده شوند .

کلیه وامها و بدهکاریهای روستائیان به همه بانکها باید لغو شود دهقانان در طول سالها چند برابر وامها را به عنوان بهره به مفتخورها پرداخت کرده اند و حالا چنان خانه خراب شده اند که آهی در بساط ندارند روستائیان می گویند تا حالا هر چه به حلقوم بانکها ریخته اند کافی است . بعد از این دیگر چیزی برای غارت شدن نداریم هر کدام از روستائیان که دیناری از بابت وامهای گذشته پرداخت نمایند مثل این است که گوشت تن

مازمن چریکهای فدائی خلق و مسئله دهقانان، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از آغاز مبارزه خونین خود به نقش و جایگاه واقعی دهقانان در مبارزه رهایی بخش خلق آگاه بود و در این جهت در حدود ظرفیت و امکانات خود کارهای سیاسی و نظامی قابل توجهی انجام داده است.

مبارزه مسلحانه این سازمان با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل آغاز شده انتخاب این هدف از جانب سازمان تصادفی نبود دهقانان ما خوبی با این دستگاه فاسد و این عناصر مفتخور آشنا هستند. ژاندارمری ضد خلقی شاه همیشه یکی از وسیله‌های سرکوب توده روستائی بوده است حمله مسلحانه به پاسگاه ژاندارمری لاهیجان و ساری نیز از جمله عملیات مسلحانه است که سازمان در پاسخ به سرکوبی دهقانان و در جهت پشتیبانی از زحمتکشان روستائی میهن ما انجام داده است.

سازمان فدائی طی مطالعات و تماسهای مستقیم خود به این مسئله پی برده که اصلاحات ارضی فرمایشی نه تنها گره‌ای از مشکلات این محرومان را باز نکرد بلکه فقر و فلاکت آنها را افزونتر کرد اگر در گذشته ژاندارمری و خانها بودند که روستائیان را به بند کشیده و از آنها بهره‌کشی می‌کردند بعد از اصلاحات ارضی مراکز ستم سرمایه مانند گارد جنگل شکاربانی، شرکت

بچه‌های خود را جلوی لاشخورها انداخته‌اند.

روستائیان از کارگران دانشجویان و دیگر زحمتکشان شهری یاد گرفته‌اند که با تشکیل شوراهای دهقانی خود امور را در دست گیرند. آنها نمی‌خواهند مثل سابق در لابلای ادارات پیچ در پیچ دولت گرفتار شوند روستائیان از این اداره بازیها بجان آمده‌اند.

حالا وقت آن است که خودشان بدون دخالت دیگران مشکلات محلی خود را حل نمایند دهقانان مبارز ما از برادران شهری خود بخصوص کارگران آموخته‌اند که باید با یکدیگر متحد باشند و خواسته‌های خود را بطور دسته‌جمعی دنبال کنند.

مستحکم باد پیوند دهقانان و زحمتکشان شهر

تعاونی، شرکتهای سهامی زراعی و بانکهای کشاورزی بآنها اضافه شد در یک کلام اصلاحات ارضی امکانات توطئه‌خانیهای بود از جانب سرمایه‌داران خارجی و شاه نوکر آنها تا ستم‌خانه را به ستم سرمایه تبدیل نماید و روشن است که این سرمایه‌داری و بیشتر از همه رژیم شاه منفور با حرص و ولع بیشتری به غارت دهقانان مظلوم و بی‌دفاع ما پرداخت.

سازمان چریکهای فدائی خلق با آگاهی از این مسئله‌طی کتابها و جزوات و اعلامیه‌های خود به افشای اصلاحات ارضی شاه و نشان دادن ماهیت ضد دهقانی آن پرداخت نگارش و انتشار آثاری مانند بررسی جنبش را لیخ، اصلاحات ارضی و اثرات مستقیم آن، بررسی روستاهای ایران، بررسی شرکتهای سهامی زراعی و کشت و صنعتها، از جمله کارهاییست که بمنظور افشای اصلاحات ارضی انجام شده است. در همین رابطه بود که رژیم مزدور شاه به طرق مختلف می‌کوشید که صدای میهن پرستان و مبارزین انقلابی از جمله سازمان چریکهای فدائی خلق به گوش روستائیان و زحمتکشان روستا نرسد ولی بزودی انقلاب پرشکوه ایران از مرز شهرها گذشت و در روستاها توده‌های محروم دهقانان که سالها زیر ظلم و ستم زندگی می‌کردند علیه این رژیم سرسپرده به مبارزه برخاستند و در مراکز بخشها و روستاها به مصادره زاندارمریها گارد جنگلها و بازداشت عناصر مزدور و ضد انقلاب پرداختند و اکنون بتدریج با هدفهای سازمانهای پیشرو و مبارز آشنا می‌شوند.

چریکها معتقدند که دهقانان ایران که بخش بزرگی از جمعیت

میهن ما را تشکیل می‌دهند و از محرومترین و زحمتکشترین بخشهای خلق بشمار می‌روند در این انقلاب سهم داشته‌ومیبایست خود را در سطح روستاها به حفظ دستاوردهای انقلاب بپردازند. در اجتماعی که در روز ۴/۱۲/۱۳۵۷ از طرف این سازمان در دانشگاه تهران برگزار شد مسئله دهقانان نیز یکی از مهمترین مسائل مورد بررسی قرار گرفت در این رابطه بر موارد زیر تکیه شده‌است:

- ۱- انجام اصلاحات ارضی و دهکراتیک.
  - ۲- واگذاری شرکتهای سهامی زراعی و کشت و صنعتها و سایر موسسات مشابه به روستائیان.
  - ۳- واگذاری بدون قید و شرط زمینهایی که در دوران رژیم سابق از دهقانان غصب شده است.
  - ۴- لغو کلیه دیون و تعهدات مالی به بانکها و موسسات دولتی.
  - ۵- ایجاد شوراهای دهقانی و واگذاری اداره امور روستاها به آنها. درود به دهقانان رزمنده و انقلابی
- مستحکم باد پیوند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
با دهقانان

روستائیان را در ایجاد شوراهای دهیاری دهیم:  
الف - مقدمه:

توده‌های روستائی بخش وسیعی از جمعیت کشور ما را شامل می‌شوند آنان که جزو محرومترین طبقات جامعه ما بشمار می‌آیند تا بحال تحت سخت‌ترین شرایط زندگی کرده و اشکال مختلف

استثمار و سرمایه‌داری نظیر گارد جنگل، ژاندارمری، بانکهای کشاورزی و شرکتهای تعاونی، شرکتهای سهامی زراعی و غیره. تضاد این طبقه پیوسته تضادی ژرف و آشتی ناپذیر بوده‌است در یکساله اخیر که جامعه به مرحله اعتلای انقلابی گام نهاد و جنبش‌رهایی بخش خلق محروم ابعاد گسترده‌ای یافت توده‌های روستائی نیز بطرق مختلف در این حرکت اجتماعی شرکت نموده و با برپایی تظاهرات و اجتماعات و ابراز انزجار از عوامل خود فروخته، اعتراض به سیاست ارضی و کشاورزی رژیم، سرپیچی از نظام و دستورات تحمیلی ژاندارمری و قریبانی و نارضائی خود را از نظام موجود نشان دادند. در روزهای اخیر همراه با اوچگیری شکوهمند جنبش در بسیاری از روستاها شاهد مقاومت و حمله مسلحانه توده‌های روستائی به مراکز ستم‌مانند ژاندارمری بودیم در پاره‌ای از موارد این نیروها بیاری برادران شهری خود شتافته و مسلحانه به نبرد با نیروهای مزدور پرداختند. شرکت عشایر و روستائیان دلیر در نبرد حماسه آفرین دوشنبه ۱۳ بهمن در خرم‌آباد علیه ژاندارمری ضد خلق نمونه‌ای از این همراهی و همگامی انقلابی بود.

لازم است که در کنار سایر نیروهای انقلابی که دست‌اندرکار برپائی شوراهای انقلابی جهت شرکت در حاکمیت و برخورداری از پیروزی انقلاب هستند این نیروهای وسیع نیز به ایجاد شوراهای روستائی مبادرت ورزند.

برعهده معلمین و محصلین روستائی است که برادران روستارا در امر ایجاد این شوراها یاری دهند. «مقدمتاً» می‌بایست

توجه‌ای داشت که هیچ‌الگوی از پیش ساخته‌ای را نمی‌بایست جهت برپائی این شوراها بکار بست.

بجهت ویژگی خاص روستا، پائین بودن درصد باسوادی درده و نبودن شیوه کار کاملاً جمعی مانند محیط کارخانه و به‌عکس پراکندگی کار و کاربشکل انفرادی و یا چند نفره، سنت‌گرائی و روحیه فردگرائی و — می‌بایست شیوه شکل عملکرد این شوراها با شناخت کامل و مشخص محیط هرده در عمل پیاده شود. با توجه باینکه جنبشی ما فاقد تجارب عملی و نظری پیرامون ایجاد شوراها بویژه شوراهای ده است طبعاً "ممکن است نظرات ما در مواردی با واقعیت انطباق کامل نداشته باشد این نوشته تحلیلی است طرح‌گونه در مورد این شوراها. از همه نیروهای مبارز آشنا به مسائل روستائی می‌خواهیم که نظرات اصلاحی و انتقادی خود را در این مورد به دست ما برسانند.

ب - شورای روستائی چیست؟

شوراهای ده یکی از اشکال اعمال حاکمیت توده‌هاست این شوراها که در سطح روستا و بخشهای کشور ایجاد می‌گردد ضمن بررسی و تحلیل نواقص و مسائل روستا در سطح یک ده منجر به شرکت فعال روستائیان در تصمیم‌گیری‌های بخش و استان و کشوری گردد.

شورای ده شورائی است منتخب از افراد مورد اعتماد مردم که بوسیله مردم با رای مستقیم آنها انتخاب می‌شوند تعداد افراد این شوراها برحسب جمعیت ده متغیر است و می‌تواند بین پنج تا ده نفر باشد مسئله دموکراسی در انتخاب این شوراهای مهم‌ترین اصل است، دو امر ممکن است این اصل را مخدوش نماید.



۱- نفوذ سرمایه‌داران کشاورزی و خورده‌مالکان مرفه و عمال سابق رژیم که هدفشان از رخنه در این شوراها منحرف کردن شورادر جهت مقاصد و منافع چپاول‌گرانه خودشان است چنین نفوذ انحرافی آگاهانه عمل می‌نماید .

۲- مورد دوم که ناآگاهانه عمل می‌کند و ناشی از استحکام سنتها در سطح روستاهاست تاثیرات روابط خونی و روابط پدرسالاری در روستاها است که بویژه در میان عشایر مستحکم بوده و ممکن است منجر به نفوذ عناصر نامطلوب و فرصت‌طلب که اغلب در راس عشایر و روستا هستند گردد . مسئله دیگری که در شوراهای روستائی مطرح است مسئله سانترالیزم است که با روحیه فرد طلبی وعدم تجارب کار جمعی در روستا در تضاد است . برگزاری مداوم جلسات شورا و تبعیت افراد از شورا که در واقع منتخبین خود مردم هستند امری است که با برقراری رابطه ارگانیک و اعتماد متقابل بین این دو امکان پذیر است . هراسی که ایه رابطه و این احساس متقابل را خدشه‌دار نماید با استحکام این مرکزیت ضربه می‌زند نفوذ رباخواران و خورده‌مالکین مرفه ، انتخاب و در واقع انتصاب و تحمل افرادی از خارج از ده بر شورا بعنوان مشاور یا نماینده فلان یا بهمان کمیته از این موارد است .

با جمع‌بندی مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که افراد تشکیل دهنده این شورا می‌بایست دارای ویژگیهای زیر باشند :

۱- جزو توده‌های روستائی و افراد زحمتکش ده باشند (نه الزاما" کشاورز - افرادی نظیر آهنگر ، نجار ، و خورده فروش . . . می‌توانند حضور شورا باشند .)

۲- کاملا" مورد اعتماد مردم بوده و هیچگونه سابقه سوئی نداشته باشند .

۳- در رژیم سابق عهده دار مشاغل ضد خلقی (رئیس‌خانه‌انصاف و کدخدا) نباشد .

۴- کمابیش آگاه و مومن بجریان جنبش و حفظ دستاورهای انقلاب باشد .

ج - وظایف شورا :

۱- اداره امور ده (تمامی اموراتصا دی- فرهنگی- اجتماعی . . .)

۲- شرکت در انتخابات بخشها و نواحی و فرستادن نماینده بمنظور شرکت در تصمیم‌گیری در شهر و استان .

۳- اداره و نظارت بر مصادره زمینهای که سابقا" توسطه عمال رژیم از توده‌های روستائی غصب شده است .

۴- مصادره و اداره شرکتهای سهامی زراعی و کشت و صنعت‌ها به نفع مردم .

۵- بررسی مسائل و نواقصی روستا و پیگیری آنها (آب ، برق ، مسکن بهداشت) .

۶- برگزاری جلسات بحث و بررسی پیرامون مسائل جنبشی و مسائل خاص ده .

۷- ایجاد مدارس درمانگاه ، کتابخانه و . . .

۸- پاکسازی محیط از عمال رژیم و مزدوران ساواک و نظارت بر مجازات این افراد .

۹- ایجاد کمیته‌نظامی از جوانان ده به منظور حفاظت از روستاها باغات و کشت و زرع اهالی .

۱۰- رسیدگی به دعاوی و اختلافات روستائیان و حل آنها وظایف فوق را شورا می بایست بین افراد مختلف تقسیم نماید تا محدود وظایف کاملا " مشخص باشد .

مثلا " یک فرد از شورا مسئول کمیته نظامی ، فرد دیگر امور رفاهی و بهداشت و دیگری مسئول امور مالی و . . . گردند .

شورا در قبال افراد ده مسئول بوده و می بایست بطور مداوم نتایج کارها را به روستائیان در جلسات عمومی شورا گزارش دهد .

افراد ده این حق را خواهند داشت که در مواردی که از اعضاء منتخب شورا کم کاری و اهمال مشاهده نمودند این فرد را برکنار و بجای وی فرد لایق دیگری را بگمارند .

پایان

" اتحاد کشاورزان و کارگران ضامن پیروزی  
انقلاب است "

فصل دوم

" شاخه لرستان "

## " سرمقاله "

"پیام روستا" چرا و برای چه کسانی انتشار می یابد؟  
اولین شماره "پیام روستا"، با حسن استقبال نیروهای مبارز  
بویژه معلمین و محصلین و افراد آشنا و علاقمند به مسائل روستائی  
مواجه شده این استقبال با طرح یک سری پیشنهادات و انتقاد  
ات نیز همراه بود که ما در جهت غنا بخشیدن به نشریه خود را  
ملزم به کار بست پاره ای از این انتقادات و پیشنهادات و نیز  
توضیح و جواب دادن به برخی دیگر از مسائل و ابهامات می دانیم .  
یکی از انتقاداتی که بدنبال انتشار اولین شماره "پیام روستا"  
مطرح شد، این مسئله بود که "پیام روستا" چرا و برای چه کسانی  
منتشر می شود؟ این رفقا با این دید که "پیام روستا" بمنظور  
کار تبلیغی و برای توده های روستائی انتشار می یابد، از نشر نشریه  
و سنگینی مطالب آن انتقاد می کنند. این مسئله ما را بر آن داشت  
تا در این مورد توضیحاتی را مطرح کنیم .

اعتقاد ما چنین است که بعلت ویژگی طبقات و نیز بجهت  
پائین بودن سطح سواد و آگاهی توده های روستائی، کار سیاسی  
در روستا و در میان توده های روستائی عمدتاً "می بایست به شکل  
کار "تبلیغی" انجام گیرد. شیوه کار "ترویجی" و کاربرد آن در تماس

مستقیم با توده‌های روستائی اگر نه بی‌اثر حداقل با تاثیر کم همراه است. بمنظور روشن کردن مطلب به توضیح مختصری در مورد کار تبلیغی و ترویجی و تفاوت این دو شیوه می‌پردازیم.

ترویج "پروپاگاندا" یا کار ترویجی، شرح و بیان میسوط یک مسئله اجتماعی بطور نسبتاً "همه‌جانبه" است. در کار ترویجی، مروج یک پدیده را در رابطه با دیگر پدیده‌های اجتماعی و در تاثیر متقابل آنها بریکدیگر مورد توجه قرار داده و پدیده مورد نظر را آنچنان ژرف و دقیق و همه‌جانبه به بیان درمی‌آورد که نتیجتاً "عده کمتری قادر به درک آن خواهند بود. مثلاً" در بررسی مسئله بیکاری به شرح طبیعت سرمایه‌داری و بحرانها پرداخته و ناگزیر آنها را در اجتماع کنونی نشان می‌دهد "و از آن نابودی و متلاشی سیستم سرمایه‌داری را نتیجه می‌گیرد. اما تبلیغ بیان و شرح یک مسئله بطور ساده است که نتیجتاً "عده بسیاری" توده‌ها "قادر به درک آن می‌باشند" مثلاً "در مورد همان مثال بیکاری، از گرسنگی مردن خانواده کارگر بیکار، روز افزون شدن فقر و فاقه را شرح داده و تمامی مساعی خود را متوجه آن می‌سازد که با استفاده از این واقعیتی که بر همه و بر هر کس معلوم است به توده یک ایده، یعنی مهمل بودن وجود تضاد بین رشد ثروت و رشد فقر و فاقه را بدهد و می‌کوشد که حس ناخشنودی و تنفر از این بیدادگری دهشتناک را در توده‌ها برانگیزد"

در رابطه مستقیم با توده‌های روستائی ما معتقد به بکار گرفتن شیوه اخیر یعنی "تبلیغ" هستیم و این کار را از طریق پخش اعلامیه‌ها به ساده‌ترین زبان ممکن انجام می‌دهیم و یا در تبلیغ

شفاهی با آگاهی از آداب و رسوم و با زبان و لهجه خود توده‌ها به این امر مبادرت می‌کنیم. و لیلی ما کار سیاسی با توده‌های روستائی را به همین جا ختم نمی‌کنیم. برای برقراری رابطه عمیق‌تر و ارگانیک با توده‌های روستائی می‌بایست دامنه کار را گسترش دهیم، در این جا ما با توده وسیعی از خلق روبرو هستیم که هم بدلیل ماهیت کار تولیدی و شیوه تقریباً "انفرادی" کار و هم بلحاظ کمی تحرک سیاسی و عدم آگاهی، از واقعیات اجتماعی جامعه، عملکرد نظام وابسته و امپریالیسم و... آگاهی کم‌وگاه درک نادرستی دارند. و اگر این واقعیت که جنبش‌نوین و سازمانهای پیشرو نیز به این بخش از نیروهای خلق توجه کمتری داشته‌اند را نیز در نظر بگیریم، ضرورت گسترش کار در این زمینه و تربیت کادرهای ماهر تبلیغی بیشتر حس می‌گردد.

و "پیام روستا" در خدمت چنین هدفی است و نتیجتاً بطور عمده برای معلمین و محصلین و دیگر نیروهای آشنا با مسائل روستائی انتشار می‌یابد. مطالب این نشریه از تجارب عملی خود این رفقا تهیه شده و به طرح مسائل اساسی روستا پرداخته و با رهنمودهای لازم در این جهت همراه است.

این افراد می‌بایست مطالب "پیام روستا" را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و خود با توجه به شرایط خاص‌دهو محل فعالیت به ساده‌ترین و قابل فهم ترین بیان برای اهالی روستا شرح‌دهند. البته این بدان معنی نیست که در این نشریه مطالب یا اخباری برای خود روستائیان نوشته نشود، در صورت لزوم ما به چنین کاری اقدام خواهیم کرد ولی عمده تاکید ما همچنان بر کار ترویجی

است و در تحلیل نهائی می توان گفت که "پیام روستا" یک کار ترویجی است که در خدمت کار تبلیغی قرار دارد .

### گردستان و مسئله ملی

این روزها مسئله ملیت‌ها یکی از مسائل مهم روز شده است . اغلب شنیده یا خوانده می شود که کردها خواستار خود مختاری در چارچوب ایران دموکراتیک هستند . آنها می خواهند هویت ملیشان شناخته شود ، حق تعیین سرنوشت خود را مطالبه می کنند و مواردی از این قبیل .

همچنین شنیده می شود که خلقهای دیگر نیز درخواست‌های مشابهی دارند .

زمزمه‌های دیگری نیز بگوش می خورد ، اینکه کردها تجزیه طلب هستند . آنها می خواهند با تقسیم ایران دولت را ضعیف کنند ، خارجیها آنها را تحریک می کنند و . . .

این زمزمه‌ها که ناشناخته و نا آشنا هم نیستند ، در هر گوشه‌ای شنیده می شوند ، مدرسه ، بازار ، کارخانه ، روستا . . . مردم در این میان می پرسند قضیه از چه قرار است ؟ در این رابطه مسئولیتی سنگین بر عهده عناصر آگاه و نیروهای دموکراتیک جامعه است ، آنها وظیفه دارند که ذهن توده‌ها را نسبت به مسئله ملیت‌ها روشن کنند . سموم تبلیغات رژیم گذشته را در میان توده‌ها خنثی نمایند و خلاصه همه قابلیت‌های فکری خود را بکار گیرند و نگذارند

که مردم آماج تبلیغات سوء دشمنان قرار گیرند، اختناق و سانسور شدید رژیم سابق موجب شده است که خلقها نتوانند از خواستهها و مبارزات یکدیگر مطلع باشند. عنصر ناآگاهی نسبت به مسئله ملیت در میان دهقانان از دیگر اقشار خلق بیشتر است. بهمین دلیل عمال امپریالیسم در درجه اول روستائیان را هدف تبلیغات مسموم خود قرار می دهند. لبه تیز این تحریکات بویژه منوجه مردم کردستان و قلب ماهیت مبارزه عادلانه آنهاست. ما از همه نیروهای مترقی، معلمین روستاها، دانش آموزان آگاه و همه کسانی که با روستائیان ارتباط مستقیم دارند می خواهیم آگاهی لازم را بروستائیان بدهند و دسیسه های دشمنان را افشاء نمایند. ما خود را ملزم می دانیم تا آنجا که ممکن است سهمی از این وظیفه را بر عهده بگیریم.

اکنون ببینیم مسئله ملیت ها از چه قرار است؟

نخست لازم است که مفاهیم ملت و ملیت را تعریف کنیم و آنگاه منشاء ستم ملی را توضیح دهیم. مطابق تعاریف کلاسیک ملت به مجموعه ای از افراد گفته می شود که این چهار ویژگی را دارا باشند و:

وحدت سرزمین، زبان مشترک، آداب و رسوم و سنن مشترک، ویژگیهای نظام اقتصادی مشترک.

افرادی که در این چهار چوبه زندگی می کنند ملیت واحدی را تشکیل می دهند. بر مبنای این چهار ویژگی حقوق ملی را می توان به چهار دسته تقسیم نمود.

۱- هر ملتی می تواند حق زندگی در محدوده سرزمین خود را

داشته و حاکم بر سرنوشت خود باشد.

۲- هر ملتی محق است بزبان بومی خود صحبت کند یا بنویسد.

۳- آداب و رسوم و سنن اجتماعی خود را حفظ نماید.

۴- اشکال اقتصادی و سیاسی دلخواه زندگی خود را انتخاب نماید.

مواردی که بر شمرده شد جزء حقوق طبیعی و مسلم هر ملت است. هرگونه تلاشی در جهت محدود کردن این حقوق از جانب هرکس و زیر هر عنوان و سرپوشی که صورت گیرد، ستم ملی محسوب می شود. اینک ببینیم ستم ملی چیست؟

منشاء ستم ملی نیز مانند همه بی عدالتیهای دیگر در نابرابریهای طبقاتی است. بنابراین سابقه آن به پیدایش طبقات می رسد. تصرف سرزمینهای دیگران، تحمیل زبان و فرهنگ بیگانه، تحمیل اشکال اقتصادی و سیاسی و زندگی اجتماعی از جلوه های گوناگون این ستم در طول تاریخ هستند. با تهاجم استعمار، بویژه در شکل امپریالیستی آن ستم ملی دامنه و ابعاد بی سابقه ای می یابد. علت تشدید این ستم تشدید نابرابریهای اقتصادی و سیاسی در عصر امپریالیسم است. تبعیض در اقتصاد و سیاست به حوضه فرهنگ نیز گسترش می یابد.

می دانیم امپریالیسم مرحله اوج انحصارهاست. اقتصاد جهانی امپریالیستی، فرهنگ جهانی استعمار را نیز مطالبه می کند. انحصار طلبی در اقتصاد به انحصار جویی در سیاست و فرهنگ نیز منجر می شود همانطور که مردم مجبورند کالای خارجی را مصرف نمایند. کار بخصوصی را انجام دهند. در سازمان جامعه نقش تحمیلی

ویژه‌های را بپذیرند، همان طور هم ناگزیرند فرهنگ‌تحمیلی بخصوصی را پذیرا باشند.

تمامی ویژگیهای قومی، رسوم و سنن ملی که بنوعی مستقیم یا غیر مستقیم مزاحم صدور کالا و نیز صدور سرمایه‌های امپریالیستی شوند، بیرحمانه نابود می‌شوند و از تجلی آنها با همه وسائل سرکوب جلوگیری می‌شود.

انگیزه دیگر استعمارگران در تشدید ستم ملی اینستکه، حفظ هویت ملی خلقها برای امپریالیسم خطرناک است. زیرا ممکن است به اهرمی برای پایان دادن به سلطه آن تبدیل شود امپریالیستها از هرگونه زمینه مساعدی که بتواند بنوعی تفاهم میان خلقها منجر شده و اعتراض آنها را متجلی و بیان نماید بشدت نگرانند، یکی از این زمینه‌ها می‌تواند ملیت باشد. بویژه اگر عناصری قوی از آزادگی و عدالت‌جوئی در فرهنگ ملی وجود داشته باشد گذشته از این استعمارگران می‌کوشند با مسلط کردن فرهنگ یک قوم بر اقوام دیگر و اعمال تبعیض در میان آنها خلقها را برضد یکدیگر تحریک نموده بذر نفاق و دشمنی را میان آنها بپاشند، در طول پنجاه سال حکومت پهلوی خلقهای ایران شاهد چنین دسائسی بی‌شرمانه از جانب محافل وابسته به امپریالیسم بوده‌اند، خلقهای ترک را برضد خلقهای فارس، فارسها را برضد بلوچها و کردها را علیه عربها تحریک می‌کردند هدف از این توطئه‌ها این بود که اتحاد خلقها را غیرممکن سازند همدردی آنها را نسبت بیکدیگر سلب نموده و اذهانشان را از پرداختن به مسئله اساسی و دشمن مشترک منحرف نمایند تاریخ

استعمار همواره ملازم همین دسیسه‌ها بوده‌است، خلقهای میهن ما اکنون نیز شاهد ادامه همین دسائسی هستند و این نشان می‌دهد که عمال امپریالیسم هنوز در میان ما زنده‌اند و ریشه منافع آنها نخشکیده است.

حمایت امپریالیستها از یک فرهنگ خاص برای سلطه بر فرهنگ ملیتهای دیگر علاقه آنها را به فرهنگ مسلط نشان نمی‌دهد، آنها می‌دانند که فرهنگ متجاوز، از عناصر مترقی و بالنده‌تهی می‌شود و دست آخر به انحطاط می‌گراید.

رژیم پهلوی متجاوز از پنجاه سال به بهانه جلوگیری از تجزیه ایران حقوق مسلم خلقها را در تعیین سرنوشت خود نادیده می‌گرفت و آنرا سرپوشی برای اعمال خشن‌ترین فشارها و تبعیضات ملی قرار می‌داد، شاه همواره خود را نگران تجزیه ایران نشان می‌داد و می‌کوشید آنرا به مردم میهن ما تلقین نماید، اما میهن پرستان واقعی و نیروهای دموکراتیک جامعه ماهیت این توطئه خائنانه را می‌شناختند، رژیم فاسد، رژیمی که انقلابیون راستین را خرابکار، روحانیون مترقی و مبارز را مرتجع، قیام ملیونی مردم را بلوا می‌نامید، برای بی‌اعتبار جلوه دادن درخواستهای حق طلبانه ملت‌های میهن ما بویژه خلق کرد نیز از برجسب تجزیه‌طلبی استفاده می‌کرد، اینک ببینیم نگرانی مورد ادعای عمال امپریالیسم در مورد تجزیه و تلاشی میهن ما تاچه اندازه بواقعیت نزدیک است، آیا واقعا "خطر خطر تجزیه ایران وجود دارد؟"

بیش از پرداختن به این مسئله لازم است یادآور شویم، مردمی که مطابق تعریف ما ملیت واحدی را تشکیل می‌دهند،

مثلا " کرد و بلوچها افراد و عناصر یکدستی نیستند، آنها به طبقات و اقشار متفاوت و متضادالمنافع تقسیم می‌شوند همانطور که در میان آنها، زمینداران سرمایه‌داران و اقشار مرفه وجود دارند در مقابل کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان نیز زندگی می‌کنند، لذا از آنجا که هر قشر یا طبقه از دیدگاه منافع خود به مسائل اجتماعی نگاه می‌کند نگرش به مسئله ملی نیز از این قاعده مستثنی نیست، بدیهی است که مرتجعین و زحمتکشان از مسئله ملی برداشت یکسانی ندارند، وقتی دعاوی ملی از جانب طبقه حاکم بومی مطرح می‌شود، در متریقی بودن آن باید تردید کرد، زیرا آنها منافع طبقاتی خود را دنبال می‌کنند انگیزه آنها اینست که دست استثمارگران غیربومی را از غارت مردم خودی کوتاه کرده، بهره‌کشی از آنها را منحصر " بخود اختصاص دهند، مبارزه آنها مبارزه برای اعاده حقوق زحمتکشان نیست، مبارزه برای بدست آوردن حق انحصار بهره‌کشی از مردم بومی است، در چنین تعبیری تکیه بر مسئله ملی همسنگ تجزیه طلبی است. در تاریخ بسیار اتفاق افتاده است، که طبقات حاکم روحیه آزاد منشی و علاقه خلقها را در حفظ سنن ملی و میراثهای فرهنگی خود، مورد استفاده قرار داده و یا برخورداری از عنصر ناآگاهی در میان آنها، مبارزه آنها را در جهت منافع خود هدایت کرده‌اند. در حالیکه درخواستهای ملی وقتی از سوی زحمتکشان عنوان می‌شود، دارای مضمونی مترقی است، مطالبات دموکراتیک خلق کرد در این مورد نمونه‌وار است و درستی این ادعا را ثابت می‌کنند.

لغو هرگونه سنم اقتصادی و سیاسی، پاسداری و توسعه فرهنگ ملی، آموزش بزبان محلی و حق شرکت در تعیین سرنوشت. برادران کرد ماهرگز چیزی بیشتر از این نخواسته‌اند، کدامیک از این خواسته‌های برحق با تجزیه‌طلبی برابر است، کدامیک از آنها چیزی افزون‌تر از حقوق طبیعی خلقهاست. اگر تجزیه‌طلبی بنفع محافل ارتجاعی است در عوض هیچ سودی از آن عاید زحمتکشان نمی‌شود، زیرا:

اولا: " برای خلقها تفاوت نمی‌کند که توسط طبقه حاکم بومی استثمار شوند یا غارتگران خارجی، زورگویان محلی برگرده آنان سوار شوند یا زورگویان بیگانه، خلقها با نفس زورگوئی، و با نفس استثمار مخالفند، هویت ملی زورگویان برای آنها تفاوت نمی‌کند.

ثانیا: " ثروتهای مادی ایران، قطع نظر از اینکه در کدام گوشه کشور باشند متعلق به همه خلقهای ایران است، هیچ خلقی نمی‌خواهد با کشیدن حصار جدائی بدور خود از آنها محروم بماند. آیا بازوان برادر بلوچ در ساختن حط آهن خوزستان بکار نرفته است. آیا دهقانان رنجبر کرد بر روی مزارع دشت‌گرگان جان نکنده است؟ آیا بازوان خلاق کارگر ترک در حفاری چاههای نفت مسجد سلیمان، آغا جاری و دیگر مناطق میهن‌سهمی نداشته؟ پالایشگاه نفت آبادان را تنها مردم خوزستان ساخته‌اند؟ دانشگاه تهران، ماشین‌سازی تبریز و... محصول دسترنج چه کسانی است آیا تنها دسترنج مردم بومی آن مناطق است؟ ملسما " چنین نیست، اینهمه بناهای سربفلک کشیده تهران از شان کردها



بلوچها، عربها، ترکها، و دیگر خلقهای زحمتکش میهن ما بالارفته است، چگونه آنها حاضر می شوند با محبوس کردن خود، درون مرزها و حصارها از اینهمه ثروت صرفنظر نمایند، آنها را رها کنند و به بیغوله‌های ویرانه خود قناعت نمایند، آنها را برای چه کسانی رها کنند، خلقهای هوشیار ما می دانند که ثروت‌های بیکران ایران متعلق به همه آنهاست. از هرملیتی که باشند. چرا که محصول کار مشترک ایشان است و تنها در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک می توانند از نتایج آنها بهره‌مند شوند.

ثالثاً " بگذشته تاریخی و میراث فرهنگی مشترک خلقهای سراسر ایران را بیکدیگر پیوند می دهد، خلقهای ایران در عین حال که دارای خصوصیات خود ویژه هستند، خصوصیات که آنها را از یکدیگر متمایز می سازد، دارای وجوه اشتراک بسیاری نیز هستند این وجوه اشتراک از آنها یک کل مستحکم و یکپارچه بنام خلق ایران بوجود آورده است در میان اقوام جهان به کمتر نمونه برخورد می کنیم که خلقها در عین تنوع سنتها در عین خود ویژگیهای قومی اینهمه میراث فرهنگی مشترک داشته باشند، رستم قهرمان حماسه‌های تمام خلقهای ایران است، اشعار حافظ به همه آنها شور می دهد عید نوروز جشن‌های همه آنهاست، وجود این سنتها بیانگر اینست که خلقهای ایران با یکدیگر زندگی کرده‌اند، با یکدیگر شکست خورده‌اند، هم‌راه یکدیگر پیروز شده‌اند، سرنوشت آنان چنان بهم گره خورده است که هیچ مرز و حصار می‌تواند قادر به گسستن آن نیست.

گذشته از اینها خلقهای تحت ستم یک دشمن مشترک دارند،

دشمن آنها، امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته است، هیچ خلقی - هرچند قوی و نیرومند بندهائی قادر نیست بر آن پیروز شود، امپریالیسم و ارتجاع در درون مرزهای شخصی زندگی نمی‌کند تمامی خلقهای اسیر جولانگاه بیدادگری آنهاست بنابراین با آنها نه در محدوده جغرافیائی و ملی معینی بلکه در پهنه ایران باید به مقابله برخواست فقط در چنین صورتی است که به نابودی آن امید بست، تجزیه‌طلبی قوای خلقها را پراکنده می‌کند، صفوف آنها را از هم می‌پاشد، در نتیجه از پشتیبانی یکدیگر محروم شده و هیچکدام نخواهد توانست حقوق خود را تامین و حفظ نمایند.

بنابراین دلایل و نیز باستناد شواهد تاریخی ملاحظه می‌شود که فقط تجزیه، نگرانی موهومی است که از جانب امپریالیست‌ها ابداع شده و از سوی عمال آنها به اقشار ناآگاه خلق تلقیق شده است. اعاده و تضمین حقوق ملی خلقها از حمله مردم کردستان بصورت خود مختاری در چهارچوب ایرانی دموکراتیک نه تنها یکپارچگی غیر قابل تفکیک میهن ما را مخدوش نمی‌کند، بلکه آنرا عمیقتر و ریشه‌دارتر می‌سازد زیرا وحدت چیزی نیست مگر اتحاد آزادانه نیروهای برابر و متساوی‌الحقوق آنها که تساوی حقوق وجود ندارد از وحدت نیز نشانی نخواهد بود.

معنی وحدت این نیست که همه الزاماً " با یک زبان صحبت کنند یا اینکه دارای یک سلیقه باشند وحدت اینست که هرکس بزبان خود صحبت کند، اما همه یک چیز را بگویند، هرکس ذوق و سلیقه خود را بکار گیرد، اما هدف یکی باشد، چنین است

دیالکتیک وحدت و اینست مفهوم واقعی یکپارچگی که در برداشت امپریالیستها از این مفهوم تفاوت فاحش دارد .  
 وحدت مورد نظر امپریالیستها چنان وحدتی است که با زور و ارباب تحمیل شده باشد و مبتنی بر تبعیض و نا برابری است چنین وحدتی بنا بر ماهیت خود بسیار شکننده و غیر قابل دوام است ، در حالیکه وحدت به مفهومی که خلقها از آن استنباط می کنند وحدتی است استوار بر ضرورت های عینی و مبتنی بر میل و اراده آزاد زحمتکشان .

بهر تقدیر خلق کرد و دیگر ملیتهای تحت ستم اکنون خواسته های ملی خود را مطرح کرده و پی گیرانه تا رسیدن به پیروزی ادامه می دهند ، جریانی که بخواهد به بهانه وحدت کشور جلوگیری از تجزیه ایران و بهانه هائی از این قبیل بر ترضیع حقوق آنها جامه "حقانیت" بپوشاند عملاً " به استعمار خدمت کرده است ، یکی از ملاکهای مترقی بودن یا ضد خلقی بودن یک دولت برخورد آن با مسئله ملیت است این اعتبار دولت کنونی ما در معرض یکی از حساس ترین آزمایشهای خود قرار گرفته است جهت گیری درست در مقابل این مسئله می تواند ما را یک قدم به پیروزی نزدیکتر کند ، همانطور که جهت گیری نادرست ، بهممان نسبت ما را از آن دور می سازد .

\* \* \* \* \*

بار دیگر توجه رفقای معلم و دانش آموز روستا را به اهمیت مسئله ملیت جلب نموده و از تمامی آنها می خواهیم که این مسئله را بخصوص در رابطه با مبارزات خلق کرد با ساده ترین

زبان برای توده های روستائی تبلیغ نمایند تا بدین وسیله تبلیغات زهر آگین عوامل ارتجاع و امپریالیسم را که بویژه در منطقه لرستان در حال گسترش است خنثی نمائیم . برای درک بهتر و فهم علمی مسئله ملیت از تمامی مبارزین می خواهیم که کتب زیر را مورد مطالعه دقیق قرار دهند :

۱- درباره مسئله ملیت

۲- آذربایجان و مسئله ملی نوشته رفیق شهید علیرضا نابدل

۳- واژه نامه سیاسی - قسمت ملیت .

آیا روستائیان حق دارند که زمین های از دست رفته خود را پس بگیرند ؟

در سالیان دراز گذشته که دهقانان زحمتکش ما مانند برادران کارگر خود در شهرها تحت ستم جابرانه رژیم منفسور پهلوی بودند ، بطرق مختلف مورد اجحاف و زورگویی قرار می گرفتند . یکی از بارزترین ستم هائی که در حق این محرومان اعمال شد . مصادره زمین های آنها بدلائل مختلف و به طرق گوناگون بود . در یک جا به این بهانه که کوهپایه است و باید جنگل بشود و در جای دیگر به بهانه ایجاد شرکت سهامی زراعی یا کشت و صنعت در زیر سدها به بهانه پیاده کردن طرح آبخیزداری و در منطقه های دیگر حتی بدون ارائه دلیل و صرفاً " با قلدری و زورگویی و یا بعنوان چراگاه سلطنتی و یا شکارگاه .

بدین ترتیب روستائیان تحت ستم با ازدست دادن دو یاسه هکتار زمین خود که همه چیز آنها بود بناچار روانه شهرها شده و به خیل بیکاران و یا کارگران فصلی و ساختمانی پیوستند . اما

در جریان انقلاب شکوهمند و خونین خلق ما و پس از آن روستائیان بعد از سالها، که با حسرت به زمین‌های خود فقط نگاه می‌کردند، مسلحانه و با بیل و کلنگ به این زمین‌ها یورش برده و با سرکوب انقلابی سرسپردگان رژیم و قلد‌رهای مزدورزمینهای خود را که حق مسلم آنها بود مصادره کردند. در این مورد در نشریه "کار" ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق شماره یک صفحه ۶ چنین می‌خوانیم:

"امروز از گوشه و کنار روستاها خبر می‌رسد که دهقانان زمینهای خود را"، "باز پس گرفته‌اند، باغات و زمین‌هایی که بوسیله عوامل مزدور رژیم"، گذشته اشغال شده بود بِنفع خود مصادره کرده‌اند و تمامی سازمانهای"، "فشار و چپاول و اختناق را متلاشی کرده‌اند."

و باز در عین همین نشریه در خبری با تیتر، روستائیان لر، زمین‌های خود را باز پس گرفتند چنین می‌خوانیم:

"دهقانان انقلابی دو روستائی لرستان که زمین‌هایشان بوسیله شرکت سهامی"، "زراعی شیروان تصاحب شده بود، اجتماعی تشکیل دادند و بدنبال"، "آن زمین‌های تصرف شده خود را باز پس گرفتند و میان خود تقسیم کردند."

"دهقانان مبارز انبار و تاسیسات شرکت را از حاصل دسترنج آنها بوجود"، "آمده بود مهر و موم کردند. تاپس از بررسی و صورت برداری میان خود تقسیم"، "کنند."

در همین منطقه یعنی لرستان کشاورزان شرکت سهامی زراعی چنگائی (خرم‌آباد) و روستائیان با زمین‌های غصب شده را بِنفع

خود مصادره و میان خود تقسیم نمودند.

در چنین شرایطی پاره‌ای از عناصر ضد انقلابی که چهره کریه و ضد مردمی خود را در پس نقاب دیانت و انقلاب پوشانده‌اند دست به مفسده‌جویی و تبلیغات ضددهقانی زده و این حرکت انقلابی توده‌های روستائی را عملی مزموم و نادرست خوانده و می‌گویند این تجاوز به عنف است. این خلاف شرع و قرآن است. ما این را وظیفه تمامی نیروهای انقلابی می‌دانیم که این افراد را افشاء کنند و چهره واقعی آنها را نشان دهند اینسان همان سرمایه داران کشاورزی و یا ایادی سرسپرده آنها هستند. اینها همان مفتخوران روستا و دشمنان خلق هستند. مادرم‌های قبل از قیام هم شاهد دسیسه‌چینی این عمال دست نشانده بودیم و دیدیم که اینان چطور سعی می‌کنند از سادگی و بی‌سوادی پاره‌ای از روستائیان استفاده کرده و آنها را بشکل چماق بدست، ر مقابل برادران شهرشان قرار دهند. روستائیان ما آنها را در هرلباسی که باشند بخوبی می‌شناسند. ما عمل روستائیان انقلابی را در بازپس گرفتن زمین‌های غصب شده، عملی انقلابی و اصولی دانسته و با تمامی نیروی خود از آن دفاع می‌کنیم. زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند. روستائیان می‌بایست تمامی این زمینها را مصادره کنند و با ایجاد شوراهای ده آنها را در جهت منافع خود و انقلاب اداره کنند

با امید مستحکم شدن پیوند کارگران و برگزاران این نیروهای واقعی انقلاب.

کشاورزان شرکت سهامی زراعی چنگائی (خرم آباد) زمین‌های مزروعی شرکت را که قبلاً "توسط دولت از آنها تصاحب شده بود" مصادره و بین خود تقسیم نمودند.

صدها خانوار از روستائیان روستای بائه و اطراف حدود ۱۵۰ هکتار از زمین‌هایی را که فتح‌الله پورسرتیپ نماینده سابق مجلس شورا و جاسوس سازمان امنیت از آنان بزور غصب کرده بود، مصادره و بین خود تقسیم و شروع به گشت آنها نمودند.

در حزه "لرستان و مبارزات خلق زحمتکش لر" از انتشارات سازمان چریک‌های فدائی خلق در مورد فرد فوق‌الذکر چنین می‌خوانیم:

"... فعالیت‌هایی از جانب عناصر ارتجاعی و وابسته به رژیم در جهت تامل و "گول زدن توده‌های روستائی و جهت دادن آنان علیه جنبش انقلابی بچشم"، "می‌خورد بخصوص یکی از این عناصر که از ملاکین سابق و سرمایه‌داران فعلی"، "است و دارای سوابق بسیار ننگین است، بشدت جهت تطمیع و کشاندن روستائیان"، "بشهر و بکار گرفتن آنها علیه نیروهای انقلابی و مخالفین رژیم اقدام می‌نماید"، "این افراد که از خانهای بسیار بد نام منطقه بوده و، در سال ۲۴ باز دوبند"، "با رئیس جیره بندی شهرستان خرم‌آباد و دزدی اموال عمومی مبالغ

کلیه دیون، بدهی‌ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان پیشه‌وران، کارمندان جزء به بانکها و موسسات باید لغو شود.

"سازمان چریک‌های فدائی خلق"

فراوان به "، "جیب زده و درسالهای بعد با دسیسه چینی وتوطئه رژیم به نمایندگی مجلس"، "رسید. درجریانات سال ۳۲در جناح طرفداران شاه علیه دولت دکتر مصدق و مردم"، "دست به اقدامات ننگین زد که پس از کودتا بیاس همین خیانت ها به سهامدار"، "کارخانه ای در اسفهان و دلال وزارت امور خارجه و کارچاق کن ادارات دولتی"، "و یکی از عمال ساواک تبدیل شد."

آیا روستائیان حق ندارند زمین های این عناصر مزدور و خائن را مصادره کنند؟

ما حرکت انقلابی توده های روستائی را در بازپس گرفتن زمین هایشان می ستائیم و با تمام توان خویش از آنها پشتیبانی می کنیم.

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

فرهنگ و آموزش  
بهداشت و درمان رایگان  
برای کارگران و زحمتکشان  
(سازمان چریکهای فدائی خلق)

مستحکم باد پیوند زحمتکشان با چریکهای فدائی خلق